

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحولات حقوق نفت و گاز ایران در ارتباط با قراردادها، قوانین و نهادهای حقوقی

(از آغاز تا امروز)



مؤلف: ندا داودی

کارشناس ارشد حقوق نفت و گاز

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	داودی، ندا، ۱۳۷۰ -
عنوان و نام پدیدآور	تحولات حقوق نفت و گاز ایران در ارتباط با قراردادهای، قوانین و نهادهای حقوقی (از آغاز تا امروز)/ مؤلف ندا داودی.
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۲۱ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۴۵-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
موضوع	نفت -- ایران -- قراردادهای -- تاریخ
موضوع	Oil and gas leases -- Iran -- History
موضوع	قراردادهای نفت و گاز -- ایران -- تاریخ
موضوع	Oil and gas leases -- Iran -- History
موضوع	نفت -- ایران -- تاریخ
موضوع	Petroleum -- Iran -- History
موضوع	نفت -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	Petroleum law and legislation -- Iran
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ ۹۲۵۲ الف / HD۹۵۷۶
رده بندی دیویی	۳۳۸/۲۷۲۸۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۴۷۷۹۸۹۲

نام کتاب	تحولات حقوق نفت و گاز ایران در ارتباط با قراردادهای، قوانین و نهادهای حقوقی (از آغاز تا امروز)
ناشر	چتر دانش
مؤلف	ندا داودی
نوبت و سال چاپ	دوم - ۱۴۰۰
شمارگان	۱۰۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۴۵-۵
قیمت	۹۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمیبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸
تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳
پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com
کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست قوانین و مصوبات

قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸

قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج و استخراج نفت در سراسر

کشور و فلات قاره، مصوب ۱۳۳۶ (قانون نفت ۱۳۳۶)

قانون معادن ۱۳۱۷

قانون معادن ۱۳۳۶

قانون نفت ۱۳۵۳

قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران ۱۳۵۶/۳/۱۷

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸/۱/۱۱

لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت ۱۳۵۸/۷/۸ و متمم آن

قانون نفت ۱۳۶۶/۷/۹

قانون بودجه ۱۳۷۲

قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی ۱۳۸۰/۱۲/۱۹

قانون مدیریت خدمات کشوری

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران ۱۳۸۳/۶/۱۱

قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۹/۱۰/۲۵

قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۹۰

قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت ۱۳۹۱

مصوبه هیئت وزیران ۱۳۹۵

قطعهنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد شماره ۱۸۰۳

فهرست

۹	مقدمه
۱۲	فصل یکم: کلیات حقوق نفت و گاز
۱۲	مبحث یکم: تعریف حقوق نفت و گاز
۱۳	مبحث دوم: موضوعات حقوقی نفت و گاز
۱۳	بند یکم: مالکیت منابع نفت
۱۷	بند دوم: مرجع (نهاد) صلاحیت‌دار
۱۹	بند سوم: عملیات نفتی
۱۹	مبحث سوم: منابع حقوق نفت و گاز
۲۰	گفتار یکم: قراردادهای نفتی
۲۰	بند یکم: تعریف قراردادهای نفتی
۲۰	بند دوم: انواع قراردادهای نفتی
۲۲	گفتار دوم: قوانین ملی
۲۳	بند یکم: قانون اساسی
۲۳	بند دوم: قانون نفت
۲۵	گفتار سوم: معاهدات
۲۵	گفتار چهارم: حقوق عرفی نفت
۲۵	گفتار پنجم: رویه‌های نفتی بین‌المللی
۲۶	گفتار ششم: اصول کلی حقوقی
	فصل دوم: تحولات قراردادهای، قوانین و نهادهای حقوقی نفتی پیش از
۲۷	انقلاب اسلامی
۲۷	مبحث یکم: قراردادهای نفتی
۲۸	گفتار یکم: قراردادهای امتیازی
۲۹	بند یکم: تعریف امتیاز
۳۰	بند دوم: امتیازنامه‌های نفتی در ایران
۳۱	بند سوم: مشخصات کلی قراردادهای امتیازی نفت

- بند چهارم: مقدمهٔ سست شدن قراردادهای امتیازی..... ۳۲
- بند پنجم: قرارداد کنسرسیوم ۳۳
- گفتار دوم: قراردادهای مشارکت در تولید..... ۳۵
- بند یکم: تعریف قرارداد مشارکت در تولید..... ۳۶
- بند دوم: اصول کلی حاکم بر قراردادهای مشارکت در تولید..... ۳۷
- بند سوم: قراردادهای مشارکت در تولید در ایران ۳۸
- گفتار سوم: قراردادهای خدماتی..... ۴۱
- بند یکم: تعریف قرارداد خدمت..... ۴۱
- بند دوم: سابقه ی قراردادهای خدمت در صنعت نفت ۴۲
- بند سوم: قراردادهای خدماتی در ایران ۴۲
- بند چهارم: ویژگی‌ها و مشخصات قراردادهای خدماتی ایران..... ۴۳
- مبحث دوم: نهادهای حقوقی..... ۴۵
- گفتار یکم: قبل از ملی شدن صنعت نفت ۴۵
- گفتار دوم: ملی شدن صنعت نفت ۴۶
- بند یکم: مقدمات قانون ملی شدن صنعت نفت ایران..... ۴۷
- بند دوم: تعریف ملی‌سازی نفت..... ۴۹
- بند سوم: تأسیس شرکت ملی نفت ایران..... ۵۱
- مبحث سوم: قوانین و مقررات..... ۵۵
- گفتار یکم: قوانین و مقررات عمومی..... ۵۶
- گفتار دوم: قانون نفت ۱۳۳۶ ۵۸
- گفتار سوم: قانون نفت ۱۳۵۳..... ۶۲
- فصل سوم: تحولات قراردادها، قوانین و نهادهای حقوقی نفتی پس از انقلاب اسلامی..... ۶۸**
- مبحث یکم: قوانین و مقررات..... ۶۸
- گفتار یکم: قانون اساسی ۶۸
- بند یکم: اصل ۴۴..... ۶۹
- بند دوم: اصل ۴۵..... ۷۰

- بند سوم: اصل ۸۱..... ۷۳
- بند چهارم: اصل ۱۵۳..... ۷۴
- گفتار دوم: قانون نفت ۱۳۶۶..... ۷۴
- گفتار سوم: قانون اصلاح قانون نفت (مصوب ۱۳۹۰)..... ۷۸
- مبحث دوم: قراردادهای نفتی..... ۸۱
- گفتار یکم: قراردادهای منعقدۀ قبل از بیع متقابل (۱۳۷۱- ۱۳۵۸)..... ۸۲
- گفتار دوم: قراردادهای بیع متقابل..... ۸۴
- بند یکم: مفهوم و تاریخچه بیع متقابل..... ۸۴
- بند دوم: فلسفه قراردادهای بیع متقابل نفتی و مزایای آن..... ۸۵
- بند سوم: قراردادهای بیع متقابل در ایران..... ۸۶
- بند چهارم: نسل‌های مختلف قرارداد بیع متقابل..... ۸۷
- بند پنجم: ویژگی‌های کلی قراردادهای بیع متقابل..... ۹۱
- بند ششم: انتقادات وارده به قراردادهای بیع متقابل..... ۹۲
- گفتار سوم: الگوی جدید قراردادهای نفتی..... ۹۴
- بند یکم: مستندات قانونی الگوی جدید قرارداد نفتی..... ۹۴
- بند دوم: اهداف طراحی قراردادهای جدید..... ۹۵
- بند سوم: اصول حاکم بر قراردادهای جدید نفتی..... ۹۶
- مبحث سوم: نهادهای حقوقی..... ۱۰۰
- گفتار یکم: وزارت نفت..... ۱۰۰
- بند یکم: منشأ قانونی تأسیس وزارت نفت..... ۱۰۰
- بند دوم: صلاحیت‌ها و اختیارات وزارت نفت..... ۱۰۱
- گفتار دوم: هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی..... ۱۰۳
- بند یکم: جایگاه قانونی هیئت عالی نظارت..... ۱۰۴
- بند دوم: صلاحیت‌ها و اختیارات هیئت عالی نظارت..... ۱۰۴
- گفتار سوم: شرکت ملی نفت ایران..... ۱۰۵
- بند یکم: جایگاه قانونی و حقوقی شرکت ملی نفت ایران (پس از انقلاب اسلامی)..... ۱۰۵
- بند دوم: صلاحیت‌ها و اختیارات شرکت ملی نفت ایران..... ۱۰۶

- گفتار چهارم: اهداف مجموعه ساختار و نهادهای مرتبط با نفت..... ۱۰۸
- بند یکم: تفکیک وظایف حاکمیتی از تصدی‌گری..... ۱۰۸
- بند دوم: خصوصی‌سازی در صنعت نفت..... ۱۰۹
- بند سوم: صیانت از منابع نفتی کشور..... ۱۱۱
- منابع و مأخذ..... ۱۱۶**
- الف) منابع فارسی و عربی..... ۱۱۶
- ب) منابع انگلیسی..... ۱۲۰

مقدمه

دانش حقوق به معنای مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر روابط افراد در اجتماع، در پی آن است که روابط را در جامعه تنظیم کند. بر این اساس، از مهم‌ترین ویژگی‌های آن پویایی است تا بتواند همگام با تحولات ایجاد شده، پاسخگوی نیازهای هر زمان نیز باشد و با توجه به گستردگی موضوعات در زمینه‌های مختلف، جهت تنظیم روابط آن بخش از جامعه، به شاخه‌های مختلفی تقسیم شده است. یکی از بخش‌های حیاتی هر کشوری موضوعات اقتصادی و به‌خصوص صنعت نفت آن است. نفت برای کلیه کشورهای، اعم از تولیدکننده و مصرف‌کننده، اهمیت بسیار زیادی دارد. کشورهای تولیدکننده به تولید نفت و درآمدهای حاصل از آن وابسته‌اند و شکوفایی اقتصادی کشورهای صنعتی و مصرف‌کننده نیز به تأمین انرژی متکی است، که مقدار زیادی از این سهم را منابع نفت و گاز به خود اختصاص داده است. کشورهای صاحب نفت برای استخراج منابع نفت و گاز خود، به سرمایه، دانش و مدیریت نیاز دارند و متقابلاً کشورهای مصرف‌کننده برای اطمینان از عرضهٔ باثبات منابع انرژی، به سرمایه‌گذاری و مشارکت در این کشورها نیازمندند.

مسائل نفت از جهت اکتشاف و تولید، سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری، حمل‌ونقل، تجارت، مصرف و تبعات زیست‌محیطی و امثال آن، علاوه بر جنبه‌های داخلی و ملی، دارای تبعات فرامرزی است. بدین ترتیب، تنظیم روابط موجود در آن، یک نظم حقوقی خاصی را می‌طلبد که متناسب با شرایط و اقتضائات خاص آن و در عین حال، شفاف و روشن باشد تا بازیگران و فعالان در این عرصه، به خوبی نسبت به حقوق و اختیارات خود آگاه باشند و تعامل بین آنان به بهترین شکل ممکن محقق شود. فعالیت‌های نفتی در کلیه کشورهای از جمله کشور ما ایران، با انعقاد قراردادهای امتیازی آغاز شده است. در این برهه از تاریخ، مسائل نفت و حقوق مربوط به آن تنها در چارچوب امتیازنامه‌ها و قراردادها تنظیم می‌شدند و قوانین مستقلاً وجود نداشت که تنظیم‌کنندهٔ روابط و مسائل حقوقی باشد.

در این قراردادهای امتیازی، دولت میزبان تنها نقش اعطاکننده داشت و در صورت تولید نفت، مبلغی پول دریافت می‌کرد. گذشت زمان و افزایش نقش دولت در این عرصه، موجب تدوین و تصویب قانون نفت توسط دولت شد. علاوه بر تصویب قانون نفت، تاسیس نهاد و ساختارهایی جهت اجرای مندرجات قوانین نیز از دیگر اقدامات دولت بود. بدین ترتیب، پس از اعطای امتیازات متعدد، در سال ۱۳۲۹ صنعت نفت ملی، و شرکت ملی نفت ایران تأسیس و چند سال بعد نیز اولین قانون نفت در سال ۱۳۳۶ تصویب شد. پس از این قانون، قانون نفت دیگری در سال ۱۳۵۳ تصویب شد و فعالیت‌های نفتی، به‌موجب آن ادامه داشت. در ادامه این تحولات، پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، قوانین و مقررات ناظر بر صنعت نفت را متحول کرد. از جمله این تغییرات، تشکیل نهاد جدیدی تحت عنوان وزارت نفت، تصویب قانون اساسی، تصویب قوانین نفتی، و به تبع آن اتخاذ رویکرد متفاوت نسبت به قراردادهای نفتی بود.

با توجه به اینکه، تحولات ایجاد شده، باعث تغییرات بسیاری در مباحث حقوقی در حوزه نفت و گاز شده است، اثر پیش رو در تلاش است، تا تاثیر این تغییرات را بر عملکرد صنعت نفت و نتایج حقوقی حاصل از آن را بررسی کند. بنابراین، این اثر در سه فصل نگارش یافته است؛ فصل یکم، کلیات حقوق نفت و گاز، فصل دوم، تحولات حقوق نفت و گاز پیش از انقلاب اسلامی و فصل سوم، تحولات حقوق نفت و گاز پس از انقلاب اسلامی.

در فصل یکم با عنوان کلیات، ابتدا حقوق نفت و گاز تعریف شده که شامل مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر مجموعه نفت است. سپس موضوعات مهمی که در این رشته از حقوق مطرح می‌شود و به بیان دیگر، حقوق نفت و گاز مسئول تعریف و تبیین آن‌ها می‌باشد، بررسی شده‌اند که از جمله این موضوعات، مالکیت منابع نفتی، مرجع صلاحیت‌دار یا همان نهاد و ساختاری که از جانب دولت اداره منابع نفتی را بر عهده دارد و همچنین عملیات نفتی تعریف و تشریح شده‌اند.

در مبحث دوم، به منابع حقوق نفت و گاز پرداخته شده است؛ این منابع عبارتند از قراردادهای نفتی، قوانین ملی، معاهدات دو جانبه و چند جانبه،

مقررات حقوق بین‌الملل و نظریات علمای حقوق. در این فصل، تحولات حقوق نفت و گاز، پیش از انقلاب اسلامی و در ابتدای آن و نیز به قراردادهای نفتی مورد بررسی قرار گرفته است؛ زیرا نقطه آغاز چارچوب حقوقی در صنعت نفت، با قراردادهای نفتی امتیازی یا امتیازنامه‌ها بود. با توجه به اهمیت تأسیس شرکت ملی نفت ایران، مبحث دوم، به موضوع ساختار و نهاد شرکت مذکور اختصاص دارد. تصویب اولین قانون نفت نیز، پس از تأسیس شرکت ملی، از دیگر تحولات مهم و تاثیرگذار بوده، در نتیجه، مبحث سوم فصل به بررسی قوانین مرتبط با نفت پرداخته است.

فصل سوم، در ارتباط با تحولات حقوق نفت و گاز پس از انقلاب است. برخلاف دوره پیش از انقلاب، که آغاز حقوق نفت با قراردادهای و قوانین اولیه نیز متأثر از قراردادهای منعقد در آن زمان بوده در دوره پس از انقلاب، این قوانین بودند که موجودیت قراردادهای نفتی سرمایه‌گذاری و شرایط و جزئیات آن را تعیین می‌کردند. بدین ترتیب، قانون نفت ۱۳۶۶ که با الهام از قانون اساسی مصوب در سال‌های اولیه پس از انقلاب به تصویب رسیده، به موضوع سرمایه‌گذاری خارجی که قراردادهای نفتی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند، پرداخته است؛ در نتیجه، ابتدا قوانین مرتبط با نفت که شامل قانون اساسی، قانون نفت ۱۳۶۶ و اصلاح آن در ۱۳۹۰ و سپس در مبحث دوم، قراردادهای نفتی بررسی می‌شود. در پایان نیز، ساختارهای جدیدالتأسیس پس از انقلاب، شامل وزارت نفت و هیئت عالی نظارت و اهداف تأسیس و ورود این بازیگران جدید در عرصه فعالیت‌های نفتی مطرح می‌گردد.

اگرچه انقلاب اسلامی واقعه‌ای سیاسی است، اما از آنجایی که سبب بروز تحولات بسیاری در حوزه حقوق نفت و گاز شده و آثار این تغییرات در چارچوب حقوقی فعلی حاکم بر صنعت نفت نیز جاری می‌باشد، این پدیده سیاسی، منشأ تقسیم‌بندی فصول قرار گرفته است.

فصل یکم: کلیات حقوق نفت و گاز

در این فصل، برای آشنایی با حقوق نفت و گاز و برخی از موضوعات مهم مطروحه در آن، ابتدا حقوق نفت و گاز تعریف شده و سپس موضوعات حقوقی مهم مطرح در آن، از جمله مالکیت منابع نفت و عملیات نفتی و نهاد ذیصلاح بیان خواهد شد.

مبحث یکم: تعریف حقوق نفت و گاز

با اینکه بیش از یک سده از اولین حفر چاه نفت در مسجد سلیمان می‌گذرد و در این صد سال، نفت تأثیر بسیار زیادی بر شکل‌گیری جامعه نوین ایران داشته است، مدت زمان زیادی نیست که اصطلاح «حقوق نفت» یا «حقوق نفت و گاز» در ادبیات حقوقی ما وارد شده است.^۱

در زبان فارسی، واژه حقوق به معانی گوناگونی به کار می‌رود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، عبارت است از، مجموع مقرراتی که بر اشخاص از این جهت که در اجتماع هستند، حکومت می‌کند.^۲ به موجب تعریفی دیگر، «حقوق» به مجموعه قواعد، اصول و موازین، قوانین، مقررات و ضوابطی اطلاق می‌شود که ناظر بر تنظیم روابط اجتماعی است؛ اعم از اینکه این رابطه بین آحاد جامعه، بین مردم و دولت، و یا تنظیم‌کننده روابط نهادها و سازمان‌های دولتی یا خصوصی باشد. «نفت» نیز عبارت عامی است و شامل کلیه هیدروکربن‌هایی که ممکن است به صورت گاز مثل گاز طبیعی، به صورت مایع مثل نفت خام و یا به صورت جامد مثل قیر طبیعی باشند، می‌شود.^۳

در نتیجه، حقوق نفت به آن دسته از قواعد، اصول، موازین، قوانین، مقررات و ضوابطی اطلاق می‌شود که روابط مرتبط با نفت را در جامعه تنظیم می‌کند.^۴ بر این اساس، حقوق نفت در مرحله اول، ناظر به ایجاد تعادل بین منافع دولت‌ها و شرکت‌های نفتی در خصوص روابط نفتی آن‌ها و در مرحله دوم، ناظر به تنظیم روابط داخلی دولت نسبت به موضوعات نفتی می‌باشد.^۵ این روابط شامل مالکیت نفت و نحوه تملک،

۱- شیروی، عبدالحسین، حقوق نفت و گاز، انتشارات میزان، ۱۳۹۳، ص ۷۱.

۲- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴، ص ۱.

۳- شیروی، پیشین، ص ۷۳.

۴- شیروی، پیشین، ص ۷۴.

5- Ikenna, N. E., International petroleum law: Has it emerged as a Distinct Legal Discipline?, African Journal of International Law, 1996, Vol. 8, p. 42.

سرمایه‌گذاری و عملیات نفتی شامل اکتشاف، توسعه، بهره‌برداری، توزیع، صادرات و حمل‌ونقل نفت و گاز و سایر هیدروکربورها و غیره می‌باشد.^۱

مبحث دوم: موضوعات حقوقی نفت و گاز

حقوق نفت، مسئول تعریف و تنظیم موضوعاتی از جمله مالکیت منابع نفت و نحوه اجرای شدن آن به‌واسطه اعمال حاکمیت و تعیین بازیگران و فعالان مجاز در این عرصه و قواعد حاکم بر سرمایه‌گذاری در این حوزه است که در ادامه به این موضوعات و تعاریف آن‌ها پرداخته خواهد شد.

بند یکم: مالکیت منابع نفت

مالکیت نفت، همیشه یکی از مهمترین موضوعات در صنعت نفت و قراردادهای نفتی بوده و طرفین قراردادهای نفتی به دنبال کسب آن بوده‌اند؛ زیرا معتقد بودند که مالکیت بر نفت، به مالک آن قدرت کنترل و مدیریت می‌دهد و منافع سرشاری را به سوی او سرازیر می‌کند. بر این اساس، تلاش برای به دست آوردن مالکیت، باعث به وجود آمدن قراردادهای متنوعی در این زمینه شده است که هر کدام از نحوه تخصیص مالکیت به طرفین قرارداد، سبک و سیاق خود را دارد.^۲

الف: مفهوم مالکیت

به‌طور کلی مالکیت بر چیزی، به معنای داشتن حق استفاده از آن است. مالک حق دارد مملوک خود را اداره کند و هر تغییری را که می‌خواهد در آن بدهد و می‌تواند دیگران را از تصرف در آن منع کند.^۳ مالکیت، در لغت‌نامه بلک لا نیز چنین تعریف شده است: «مجموعه‌ای از حقوق است که به فرد اجازه می‌دهد که مملوک را مورد استفاده قرار داده و از آن منفعت ببرد».^۴ اگر چه این مفاهیم و تعاریف به نوعی تسلط و سیطره کامل مالک را بر مملوک خود می‌رساند، دنیای امروزی و پیچیدگی روابط انسانی، وجود قوانینی را می‌طلبد که این اختیار را محدود کرده و برای آن چارچوبی

۱- شیروی، پیشین، ص ۷۴.

۲- گودرزی، زهرا، نگاهی بر مالکیت و نقش آن در تحول قراردادهای نفتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۸۹، ص ۱.

۳- همان.

4- Black, H. C& ., Garner, B. A., 1999. *Black's law dictionary* (7th ed.). United States: West Publishing Co, U.S.

ترسیم کند. به همین دلیل، امروزه مالک علاوه بر حقوقی که دارد، وظایفی هم در قبال ملک خود دارا است.^۱ ترمینولوژی حقوق نیز در مقام بیان تعریف مالکیت می‌گوید: «حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز به هر صورت، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.»^۲

ب: مفهوم مالکیت منابع نفت و اهمیت آن

از دیرباز مقادیر جزئی نفت در روی زمین وجود داشته است و انسان به فراخور نیاز خود از آن استفاده می‌کرده است. در هر سرزمینی، رژیم حقوقی حاکم بر اموال نیز اصولاً بر این نوع معادن ظاهری حاکم بوده است. در کتاب‌های فقهی نیز این حوضچه‌های نفتی سطح الارضی تابع مقررات کلی اموال قرار داشتند. بنابراین، چنانچه در ملک کسی واقع می‌شدند، مالک زمین به تبع آن، مالک این نفت سطحی نیز بود. ولی حوضچه‌های واقع در بیابان‌ها، زمین‌های بی‌صاحب و موات جزو مباحات تلقی شده، عموم افراد می‌توانستند به قدر نیاز از آن‌ها استفاده کنند و یا از طریق حیات تملک کنند.

امروزه، نفت به‌عنوان ثروتی عظیم که در اعماق زمین و دریاها وجود داشته و استخراج آن نیاز به سرمایه‌گذاری زیادی دارد، از مسائل مستحدثه است که نمی‌توان آن را تابع رژیم حقوقی سنتی حاکم بر اموال دانست. بر این اساس، مالکیت ذخایر معدنی با دیگر اموال منقول و غیرمنقول متفاوت است؛ خصوصاً در حوزه نفت و گاز. زیرا این منابع، جزو سیالات هستند و می‌توانند به‌علت‌های مختلف از جمله دخالت انسان و برداشت، جابه‌جا شده و از مکان‌های مجاور به سمت محل استخراج منتقل گردند.^۳ همچنین، ماهیت سیاسی نفت، در رژیم مالکیت آن به‌شدت تأثیر گذاشته است و آن را در بسیاری از نقاط جهان در زمره کالاهای عمومی درآورده که این ویژگی، منجر به دخالت گسترده دولت در امور و مقدرات صنعت نفت شده است.^۴

بنابراین، مالکیت نفت، به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر تعیین‌کننده، در شیوه

۱- گودرزی، پیشین، ص ۴.

۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۷، ص ۹۹۵.

۳- شیروی، پیشین، ص ۱۵۱.

۴- امانی، مسعود، حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت، انتشارات دانشگاه امام صادق، ص ۱۳.

بهره‌برداری از آن است. با توجه به نظام حقوقی مالکیت است که نقش دولت در قراردادهای مدلی قراردادی اهمیت پیدا می‌کند.^۱

ج: انواع مالکیت

در خصوص مالکیت بر منابع نفتی، به‌عنوان یکی از مباحث مهم حقوق نفت، با توجه به انواع نظام‌های حقوقی پذیرفته شده، نظریه‌های مختلفی وجود دارد. از مهمترین نظام‌های حقوقی موجود در این زمینه، نظام حقوق نوشته^۲ و حقوق عرفی^۳ هستند.

حقوق عرفی، مالکیت منابع نفتی را در اختیار مالک زمین قرار می‌دهد؛ بنابراین، مالک زمین، حق استخراج و بهره‌برداری از منابع موجود در ملک خود را دارد. این نظام حقوقی، در کشورهای امریکا و کانادا و انگلستان پذیرفته شده است.^۴ اگرچه در تبیین حدود و ثغور این نوع از مالکیت در کشورهای مذکور اختلاف‌هایی وجود دارد که منجر به ظهور مکاتب مختلفی در این زمینه شده است.^۵ همچنین در این کشورها، بخش‌های بزرگی از منابع نفت، در زمین‌های متعلق به دولت‌های محلی و فدرال قرار دارند (در نتیجه به دولت تعلق دارند) و کلیه منابع دریایی نیز متعلق به دولت است.

در کشورهای با نظام حقوقی نوشته، مالکیت خصوصی در منابع نفت را نمی‌پذیرند و در این رابطه، به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ گروه اول، کشورهایی هستند که به‌طور سنتی این منابع را از آن حاکم، پادشاه، فرمان‌روا یا امپراتور می‌دانستند و امروزه آن را متعلق به دولت می‌دانند.^۶ در این کشورها، دولت به‌عنوان مالک می‌تواند منابع مزبور را به افراد دیگر واگذار نماید یا حق بهره‌برداری از آن‌ها را به‌موجب پروانه، امتیازنامه یا قرارداد به دیگران واگذار نماید.^۷ بر این اساس، در این نوع از نظام مالکیت (مالکیت دولتی)، دولت مالک است و حق انجام اعمال مالکانه دارد. ماهیت این حق، حق عینی اصلی و از لحاظ ماهیت حقوقی، همانند مالکیت خصوصی است و تنها تفاوت این نوع

۱- امانی، پیشین، ص ۳۳.

2- Civil law

3- Common law

4- Campbell, N. J., Principles of Mineral Ownership in the Civil Law and Common Law Systems, Tulane Law Review, 31, USA, 1956 – 1957.

۵- امانی، پیشین، ص ۳۳.

6- Domanial law system

۷- شیروی، پیشین، ۱۵۷.

مالکیت با مالکیت خصوصی، در نحوه استفاده از این حق است. گروه دوم، کشورهایی هستند که منابع نفت را متعلق به ملت دانسته^۱ و مالکیت خصوصی یا دولتی را نسبت به نفت درجا منتفی می‌دانند.^۲ در این نوع از مالکیت (مالکیت عمومی)، دولت حقیقتاً مالک نیست و رابطه بین شخص و مالک به صورت حق عینی وجود ندارد؛ مال صرفاً در اختیار دولت است و دولت در جهت تأمین منافع عمومی، مدیر و اداره‌کننده است.

البته، رویکرد دیگری که در این زمینه وجود دارد، حقوق اسلامی است. در این دیدگاه اقوال مختلفی وجود دارد، اما در مجموع می‌توان چنین استنباط نمود که معادن در نظر فقهای اسلام، متعلق به عموم تلقی می‌شده و مداخله حکومت در امر معادن و منابع و واگذاری امتیاز بهره‌برداری و غیره هم به لحاظ نمایندگی از طرف عموم بوده است.^۳

با توجه به اهمیت نوع مالکیت منابع نفتی در بیشتر کشورها، این موضوع در اغلب قوانین اساسی آن‌ها منعکس شده؛ درحالی‌که در برخی از کشورهای دیگر، در قوانین نفت، منابع طبیعی یا سایر قوانین آن‌ها مقرر شده است و حکومت تحت شرایط خاصی، اجازه بهره‌برداری و تصرف در آن‌ها را به اشخاص واگذار می‌کند که برخی از این قوانین، منابع نفت را متعلق به دولت یا کشور^۴ و برخی دیگر، آن را متعلق به ملت یا مردم^۵ دانسته‌اند. اینکه این تفاوت تعبیرها، تا چه اندازه معنادار بوده و در ترتیبات راجع به دخالت بخش خصوصی در عملیات نفتی تأثیرگذار خواهد بود، باید کل قوانین و مقررات آن کشور را در نظر گرفت.^۶ در نظام حقوقی ایران، در مقاطع زمانی مختلف، روش‌های

1- Regalian law system

2- Omorgbe, yinka, Oil and Gas Industry, Exploration and Production Agreement, Math house press LTD, 1997, p. 120.

۳- موحد، محمد علی، ۱۳۵۷. نفت ما و مسائل حقوقی آن، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ص ۲۱۱.

۴- به‌عنوان مثال، به‌موجب اصل ۲۱ قانون اساسی کویت: «منابع طبیعی و کلیه درآمدهای حاصله از آن در مالکیت دولت (کشور) می‌باشد». یا در بند ۳ اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۹۹۹ نیجریه، «تمامیت مالکیت و کنترل کلیه معادن، معادن نفت و گاز طبیعی ... نیجریه متعلق به دولت فدرال بوده است». یا در ماده ۳ قانون نفت ترکیه ۲۰۱۳ آمده: «منابع نفت در ترکیه تحت حاکمیت و اختیار دولت قرار دارد». [۱p.۱۵۷] (شیروی، حقوق نفت و گاز، ۱۵۷)

۵- به‌عنوان مثال، در اصل ۲۷ قانون اساسی مکزیک، «کلیه منابع نفت در خشکی و دریا متعلق به ملت است». [۱p.۱۵۷] (شیروی، حقوق نفت و گاز، ۱۵۷)

۶- شیروی، پیشین، ۱۵۸.

متفاوتی جهت تعیین نظام حقوقی مالکیت اتخاذ شده بود.

د: حاکمیت بر منابع نفتی و ارتباط آن با مالکیت

حاکمیت بر منابع نفتی بدین معنی است که کشور صاحب نفت، حق دارد پروژه‌های نفتی را کنترل و تمامی مراحل از اکتشاف تا تولید را قانونمند سازد. در این راستا، کشور می‌تواند خود تمامی مراحل بهره‌برداری از منابع را انجام دهد و یا برای این کار با شرکت‌های دیگر، وارد قرارداد شود.^۱

بر این اساس، در زمینه قراردادهای بهره‌برداری از منابع نفتی وقتی صحبت از مسئله حاکمیت نسبت به منابع و مالکیت نفت می‌شود، منظور اعمال سیاست‌گذاری از سوی دولت میزبان، هدایت و نظارت^۲ به‌نحوی که هماهنگ با برنامه‌های کلان توسعه‌ای آن کشور باشد، است.^۳ بنابراین، اصل حاکمیت بر منابع طبیعی و از جمله بر منابع نفتی، از اصول پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است که ریشه در اصل مالکیت دارد و حقوق ملت در حاکمیت دائم بر ثروت و منابع طبیعی خود، بایستی به نفع توسعه ملی اعمال شود.^۴ بدین ترتیب، از آنجایی که منابع نفت سرمایه ملی است، دولت به نمایندگی از ملت، اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات لازم جهت اداره آن را بر عهده دارد و این‌گونه است که مالکیت ملتها بر منابع به‌واسطه اعمال حاکمیت دولت، به ظهور در خواهد آمد.

بند دوم: مرجع (نهاد) صلاحیت‌دار

دولت به نمایندگی از ملت، مسئولیت اداره منابع را بر عهده دارد و در این راستا، برای اعمال اختیارات دولتی در حوزه نفت و عملیات نفتی، نهاد و سازوکاری تعیین می‌کند که معمولاً به‌صورت تأسیس شرکت ملی نفت یا از طریق یک دستگاه اجرایی مشخص انجام می‌شود.^۵

1- Mommer, B., *Global Oil and the Nation State*. Oxford University Press (oxford institute for energy studies), England, 2002, p. 19.

۲- ترکان، اکبر، ابوطالبی، زینب، کریمی، مجتبی، «حاکمیت بر صنعت نفت و گاز ایران»، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰، ص ۳۳.

۳- عامری، فیصل، شیرمردی دزکی، محمدرضا، «قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولیدکننده نفت: تحلیلی بر مالکیت نفت، نظارت و مدیریت دولت میزبان و رژیم مالی قرارداد»، فصل‌نامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، ش ۶، ۱۳۹۳، ص ۶.

۴- درخشان، مسعود، ۱۳۹۲. «ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران»، فصل‌نامه اقتصاد انرژی ایران، شماره ۹، ۱۳۹۲، ص ۳۱.

۵- شیروی، پیشین، ص ۷۵.

در واقع، هدف از تعیین مقام صالح، اجرای سیاست‌های دولت در موضوعات نفتی و انعقاد قرارداد است. این ساختار و یا نهاد، دو وظیفه اصلی به عهده دارد؛ یکی، اعمال مالکیت بر منابع هیدروکربوری و دیگری اعمال کنترل و نظارت بر عملیات نفتی. در نتیجه، شرکت یا دستگاه اجرایی مزبور، به نمایندگی از طرف دولت، حقوق ملت را در خصوص نفت و عملیات نفتی اعمال می‌کند و از مهم‌ترین کارکردهای آن، می‌توان به نمایندگی دولت در انعقاد قرارداد و نظارت بر اجرای قرارداد اشاره داشت.^۱

در تشریح وظیفه اول، باید دانست که یکی از کارکردهای قوانین نفتی، بیان موضوع نمایندگی در تعاملات میان دولت صاحب منابع نفتی و دیگر بازیگران، به خصوص شرکای خارجی است. به بیان دیگر، با توجه به اینکه مالکیت منابع نفتی به کشور یعنی آنچه در ترمینولوژی حقوقی با عنوان دولت^۲ از آن یاد می‌شود، تعلق دارد و از سویی مفهوم حکومت، مفهومی مرکب و انتزاعی است، لازم است سازمان و یا نهاد مشخصی جهت اعمال حق مالکیت بر منابع نفتی تعیین شود تا به نمایندگی از حکومت، توسعه این منابع را مدیریت کند. چنین ساختاری، در صورت نیاز باید بتواند به نمایندگی از طرف کشور، اقدام به انعقاد قرارداد با طرف‌های داخلی و خارجی کرده و قبول حقوق و تکالیف قراردادی نماید.^۳ زیرا هنگامی که یک شخص بخواهد قراردادی در خصوص اکتشاف یا توسعه میادین نفت و گاز منعقد نماید، باید مشخص شود که چه شخص یا مقامی حق انعقاد چنین قراردادی را دارند،^۴ و طرف قرارداد سرمایه‌گذار و نقطه ارتباط آن با دولت چه نهادی است. علاوه بر این، در ایفای کارکرد دوم، چنین نهادی همچنین می‌بایست به نمایندگی از جانب حاکمیت، از اختیار کنترل و نظارت بر کلیه شئون و عملیات مختلفی که در راستای بهره‌برداری از این منابع در جریان است، برخوردار باشد. همان‌گونه که ملاحظه شد، اقدامات این مرجع، از جمله اعمال حاکمیتی است. امور حاکمیتی، کارهایی از نوع اعمال حاکمیت یعنی سیاست‌گذاری کلان، تدابیر کلی و تعیین جهت‌گیری‌های کل و اینکه صنعت می‌خواهد به سمت آن هدایت شود، است. به بیان دیگر، آن دسته از امور که از جنس سیاست‌گذاری و تعیین راهبردهای کلان

1- Onorato, W.T. & Park, J.J., opt. cit, p. 6.

2- state

3- Ibid, p 7.

و برنامه‌ریزی بلندمدت برای کل کشور است و به بخش خصوصی که به دنبال منافع خصوصی است، واگذار نمی‌شود. در مقابل، امور تصدی، عبارت است از امور اجرایی، یعنی انجام کار و عملی شدن راهبردها و سیاست‌های کلان.^۱

بند سوم: عملیات نفتی

عملیات و فعالیت‌های نفتی، از مطالعات ابتدایی برای جستجوی نفت آغاز و شامل استخراج، توسعه، بهره‌برداری، انتقال، ذخیره‌سازی، پالایش، تبدیل، پخش و خرید و فروش نفت می‌گردد. این عملیات، به دو گروه عمده «عملیات بالادستی»^۲ و «عملیات پایین‌دستی»^۳ تقسیم می‌شوند. به فعالیت‌های در زمینه اکتشاف، حفاری، استخراج و توسعه حوزه نفتی، بخش بالادستی صنعت نفت و حوزه پالایشگاه‌ها، خطوط لوله، بازاریابی، توزیع و فروش مواد نفتی، بخش پایین‌دستی صنعت نفت گفته می‌شود.^۴ البته، برخی نیز دسته سومی را تحت عنوان «عملیات میان‌دستی» به این دو مورد اضافه کرده‌اند که در واقع، بخشی از عملیات پایین‌دستی، و مربوط به انتقال نفت و گاز است.^۵ تعریف این اصطلاحات در قوانین نفت، به جهت آثاری که به دنبال دارد، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

مبحث سوم: منابع حقوق نفت و گاز

یکی از شاخص‌های استقلال رشته حقوق نفت، وجود منابع حقوقی خاص آن است. منابع حقوقی به حقوق‌دانان کمک می‌کند که بتوانند قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت‌های نفتی را شناسایی کنند. این منابع عبارتند از قراردادهای نفتی، قوانین ملی، معاهدات دو جانبه و چند جانبه، مقررات حقوق بین‌الملل و نظریات علمای حقوق.^۶

۱- اسعدی، فریدون، موسوی، سیده مریم، فانی یزدی، سمیه، «نظرات برخی مدیران و کارشناسان پیرامون قوانین سه‌گانه مرتبط با نفت (قانون اصلاح قانون نفت، طرح وزارت نفت و اساسنامه شرکت ملی نفت)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه انرژی)، ۱۳۹۱، ص ۵۶.

2- Upstream

3- Downstream

۴- صابر، محمدرضا، ببع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز، نشر دادگستر، ۱۳۸۹، ص ۱۹.

۵- شیروی، پیشین، ص ۳۲.

۶- همان، ص ۹۶.

گفتار یکم: قراردادهاء نفتی

در این گفتار، ابتدا تعريف قراردادهاء نفتی و سپس انواع آن ارائه خواهد شد.

بند یکم: تعريف قراردادهاء نفتی

قراردادهاء نفتی در معنای موسع، شامل کلیه قراردادهاء مربوط به استخراج، ساخت، بهره‌برداری، حمل‌ونقل، پخش و پالایش و تأمین مالی و... می‌شود که در این معنا، کلیه مراحل عملیات نفتی از ابتدا تا انتها را پوشش می‌دهد. با وجود این، نویسندگان در حوزه حقوق نفت و گاز، بین قراردادهاء منعقدہ در ارتباط با عملیات بالادستی و پایین‌دستی تفاوت قائل شده و آنچه که بیشتر به آن پرداخته‌اند، قراردادهاء بالادستی نفت است. در این راستا، قراردادهاء نفتی بالادستی، به آن دسته از امتیازنامه‌ها یا ترتیبات قراردادی اطلاق می‌شود که به موجب آن کشور صاحب نفت، اکتشاف، توسعه، تولید و بهره‌برداری از منابع نفتی را کلاً یا جزئاً به شرکت‌های نفتی واگذار می‌کند. زیرا، این قراردادهاء، بسیار پرهزینه و نیازمند همکاری و استفاده از توان شرکت‌هایی غیر از شرکت‌های موجود در کشورهای نفت‌خیز هستند. در نتیجه، عبارت قرارداد نفتی، قراردادهاء بخش بالادستی صنعت نفت را به ذهن تداعی می‌کند. ده‌ها سال قبل از آنکه حقوق نفت بتواند اصول و مبانی خود را به‌عنوان یک رشته حقوقی مستقل تثبیت کند، حقوق و تعهدات طرفین در فعالیت‌های نفتی در قراردادهاء نفتی مقرر می‌گشت. این امتیازنامه‌ها و قراردادهاء، به‌طور تفصیلی حقوق و تعهدات دولت و شرکت‌های نفتی بین‌المللی را مقرر می‌داشتند و در صورت اختلاف بین طرفین، مورد استناد قرار می‌گرفتند.^۱

بند دوم: انواع قراردادهاء نفتی

ابداع انواع گوناگون قراردادهاء نفتی، حاصل تلاش بازیگران صنعت نفت، برای ایجاد توازن بین منافع طرفین قراردادهاء است. به همین مناسبت، صنعت نفت در تمام دنیا شاهد سه نوع قرارداد امتیازی، مشارکتی و خدماتی بود که هر کدام ویژگی و کارکرد خاص خود را داشته و همچنان دارد. قرارداد بیع متقابل نیز که پس از انقلاب اسلامی در ایران مورد استفاده قرار گرفته، نوعی قرارداد خدماتی است.